

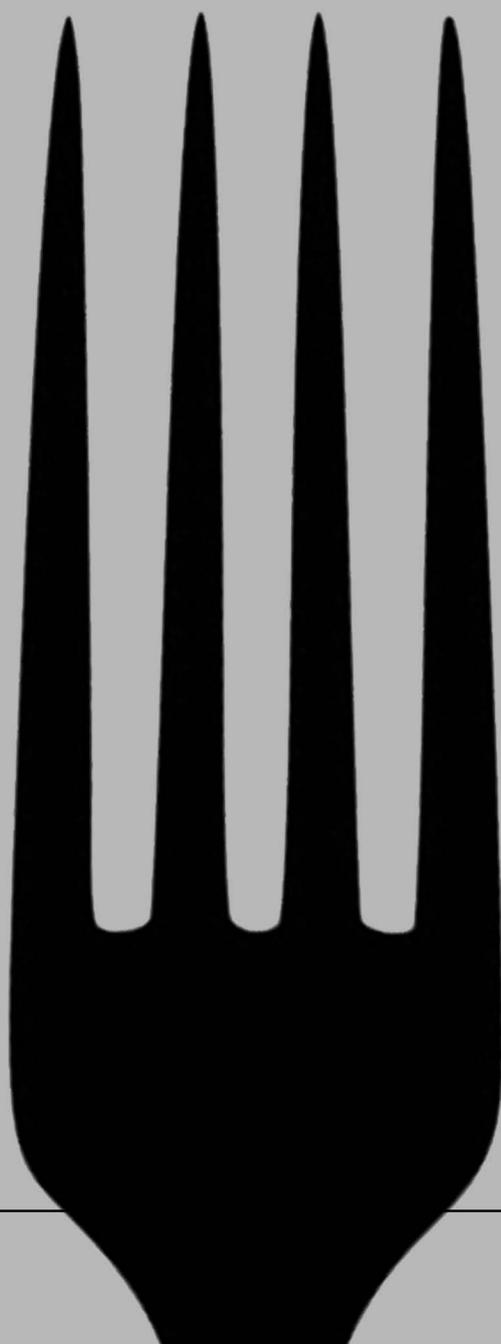
ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۴۶

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ / ۳۰ آوریل ۲۰۲۱



اعتصاب غذا



## در این شماره می‌خوانید:

جان زندانی، آخرین تیر ترکش

اعتصاب غذا، کنشی علیه شیء انگاری زندانی

بررسی اعتصاب غذای زندانیان از منظر حقوقی و اجتماعی در ایران

نظام جمهوری اسلامی، مسوول جان زندانیان اعتصاب‌کننده

حق اعتصاب غذا در زندان‌ها

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، نیره انصاری، رضا حاجی‌حسینی، جواد عباسی توللی و عسل همتی

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

بیست روز حبس انفرادی، محرومیت از تلفن و ملاقات با خانواده و محرومیت از آزادی مشروط عفو و بخشودگی می‌تواند بخشی از این مجازات‌ها باشد. طبق تجربه‌ی خودم در دوران وکالت، در مواردی به محض اعتصاب غذای موکلانم، آن‌ها را به سلولی منتقل کرده‌اند که در آن محکومان مرتکب جرائمی مثل قتل عمد نگهداری می‌شدند.

### دلایل و خواست‌های اعتصاب غذا کنندگان:

دلایل و خواست‌هایی که اعتصاب‌کنندگان را به این عمل سوق می‌دهد، متعدد است اما "عدم تفکیک بند نگهداری زندانیان سیاسی از زندانیان عادی" یکی از دلایل مهمی است که زندانیان سیاسی و عقیدتی، خاصه در سال‌های اخیر، به عنوان خواسته‌ی خود مطرح می‌کنند.

در مواردی مسئولان زندان‌ها، تعدد و برای اعمال آزار و اذیت به زندانیان سیاسی و عقیدتی، آنها را در بند زندانیان عادی و حتی مرتکبین جرائمی مثل قتل عمد و قاچاق مواد مخدر نگهداری می‌کنند و این امر به اعتراض بحق زندانیان، منجر می‌شود. عدم امکان تماس تلفنی و ملاقات با اعضاء خانواده و وکیل، شرایط غیربهداشتی در داخل بندها و حمام و دستشویی‌ها و عدم اعزام زندانیان بیمار به مراکز پزشکی خارج از زندان از سایر دلایل زندانیان به اعتصاب غذاست.

### نتیجه‌گیری

به باور من زندانی بایستی با تفکر و تعمق کافی دست به اعتصاب غذا بزند و به راحتی جان و سلامت خود را به مخاطره نیندازد. چرا که در مواردی مسئولان زندان‌های جمهوری اسلامی ایران، یا به اعتصاب غذای زندانیان وقعی نمی‌نهند و یا زمانی حاضر به قبول خواست آنها می‌شوند که مخاطره‌ای جدی به سلامت آنها وارد شده است. در برخی موارد نیز زندانیان بدون نیل به خواست‌های خود به اعتصاب غذا پایان می‌دهند که این مسئله به لوث اعتصاب غذا و جدی گرفته نشدن آن ختم می‌شود. همچنین نباید کسی را به اعتصاب غذا تشویق و ترغیب کرد و یا بعد از اعتصاب غذا وی را مجبور به شکستن اعتصابش کرد. اگر فردی حاضر شده است که برای نیل خواست‌های منطقی خود، جانش را در کف بگذارد، احترام به تصمیم وی، حداقل کار افراد خارج از زندان است. بنابراین، معقول‌ترین و موثرترین امر در این خصوص، حمایت از اعتصاب غذا کننده و انعکاس صدای حق‌طلبانه‌ی او به گوش افراد و سازمان‌های حقوق بشری‌ای است که می‌توانند با فشار بر جمهوری اسلامی، به خواست اعتصاب‌کنندگان جامعه‌ی عمل بپوشانند.



### اعتصاب غذا در قوانین و مقررات مدون ایران:

چه قبل از ۲۲ بهمن سال ۵۷ و چه بعد از آن، در هیچ یک از قوانین و مقررات موضوعه، تعریفی از اعتصاب غذا یا موضوعیت آن به عنوان یکی از ابزار اعتراضی، نشده است.

صرفاً در فصل پنجم و در ماده ۱۶۷ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۲۰ آذر ۱۳۸۴ رییس قوه قضاییه و بدون هیچ گونه تعریفی از اعتصاب غذا، این عمل ممنوع اعلام شده است.

### فصل پنجم. تخلف‌ها و تنبیه‌های درون مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌ها

ماده ۱۶۷. اعتراض، شکایت و تقاضای ملاقات به صورت دسته جمعی و اعتصاب محکومان و متهمان به کلی ممنوع است ولی هر محکوم می‌تواند بطور شفاهی یا کتبی تقاضای ملاقات با قاضی ناظر زندان یا رییس مؤسسه یا زندان را بنماید و اگر شکایت یا اعتراضی دارد آن را در صندوق‌های مربوط بیندازد، به همین منظور صندوق‌هایی در محلهای مناسب نصب گشته، دست کم هفته‌ای یک بار توسط قاضی ناظر تخلیه و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اعتصاب غذا در زندان، تخلف از مقررات و آئین‌نامه‌ی زندان‌ها محسوب شده و مستوجب مجازات است. در صورت اعلام اعتصاب غذا از سوی زندانی به مسئولین زندان به چند مجازات پیش‌بینی شده در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها محکوم خواهد شد.

## جان زندانی، آخرین تیر ترکش



نقی محمودی

و آشامیدن برای دست‌یابی به یک خواسته فردی یا اجتماعی هنوز هم روشی مرسوم مابین زندانیان سیاسی و عقیدتی است زیرا آن‌ها این روش را موثرترین راه برای رساندن صدای اعتراض خود به بیرون از زندان می‌دانند.

### تعریف اعتصاب غذا و انواع آن:

اعتصاب غذا، خودداری خودخواسته‌ی یک شخص چه در زندان و چه خارج از آن، از خوردن غذا یا مایعات است. شخص مزبور به این وسیله می‌خواهد خواسته‌های خود را به گوش مسئولان و یا مردم برساند.

### اعتصاب غذای خشک و تر:

در اعتصاب غذای خشک، اعتصاب‌کننده از خوردن و آشامیدن تمام غذاها و مایعات خودداری می‌کند ولی در اعتصاب غذای تر، فقط غذا نمی‌خورد و برای جلوگیری از افت فشار خون یا عوارض جسمی دیگر، مخلوط آب، شکر و نمک می‌نوشد.

بنابر تحقیقات پزشکی، اعتصاب غذای تر کامل (بدون افزودن شکر و نمک به آب) بین ۴۶ تا ۷۳ روز بیشتر نمی‌تواند طول بکشد و فرد بعد از این مدت به دلیل آسیب شدید به اعضای مختلف به خصوص کبد، مغز و کلیه و اختلال شدید متابولیسم در خواهد گذشت.

**اعتصاب غذای محدود:** در این نوع اعتصاب غذا، شخص برای اعتراض به موضوعی یا اعلام همبستگی با اشخاص یا زندانیان دیگر، صرفاً به مدت چند روز از خوردن و آشامیدن، خودداری می‌کند.

شاید تصور شود که اعتصاب غذا پدیده‌ی نو و معاصر است و در جریان جنبش‌های اجتماعی یا استقلال طلبانه ابداع شده است. اما این عمل ریشه‌ی تاریخی داشته و در قرون وسطی در ایرلند، هند باستان و روم باستان سابقه داشته است. حتی تیبریوس جوان فرزند ژولیوس سزار هم دست به اعتصاب غذا زد تا پدرش به او اجازه سفر به رودز را بدهد. در کتاب‌های تاریخی نگاشته شده است که در قرون وسطی در ایرلند، رسم بر این بود که مردم جلوی در خانه کسی که در حق آنها بی‌عدالتی یا ظلم روا داشته بودند، می‌نشستند و غذا نمی‌خوردند. اگر اعتصاب کننده می‌مرد، خون او بر گردن صاحب خانه بود و ممکن بود خانواده متوفی به خون‌خواهی برآیند. اعتصاب غذا آخرین حربه‌ی یک زندانی برای رساندن صدای اعتراض خود به زندانبان و افکار عمومی است. زمانی که تقریباً از آزمودن راه‌های مختلف برای طرح خواست خود نا امید شده و با مایه گذاشتن از جانش، آخرین شانس خود را می‌آزماید. موافقان اعتصاب غذا معتقدند در زمانی که هیچ راه دیگری نیست، اعتصاب غذا به عنوان ابزاری برای مقاومت در برابر ناعدالتی به کار می‌رود. تاثیر و قدرت اعتصاب غذا در آمادگی اعتصاب کننده برای مرگ خودخواسته نهفته است.

اعتصاب غذا در حاکمیت‌های مستبد مثل جمهوری اسلامی ایران، به ندرت نتیجه می‌دهد و به همین دلیل تا به حال عده‌ی زیادی از زندانیان سیاسی، عقیدتی و حتی عادی بدون نیل به خواسته‌های خود، به اعتصاب خود ادامه داده و با زندگی وداع کرده‌اند. با این وجود، اعتصاب غذا یا امتناع داوطلبانه از خوردن

مردم به اتفاقات داخل ایران مثبت بوده اما وضعیت زندانیان و به ویژه فعالان که با حکم‌های سنگین روبه‌رو شدند، بسیار ناگوار است و بی‌قانونی‌های متعددی در پرونده‌ها و پروسه طی شده قضایی وجود داشته است.»

اما برای رسانه‌ای شدن موضوع اعتصاب غذا باید میان اعتصاب کننده و حکومت واسطه‌ای مستقل وجود داشته باشد که بتواند -کم و بیش به شکلی آزادانه- عکس‌العمل نشان دهد و موضوع را به درون جامعه ببرد و درباره آن خبر و تحلیل ارائه کند.

این در حالی‌ست که به گفته رضا کاظم‌زاده، روان‌شناس مقیم بلژیک، جامعه ایران از یک سلف فضای رسانه‌ای بسته‌ای دارد و از سوی دیگر به دلیل حجم زیاد و بار بسیار شدید وقایع اجتماعی در زندگی افراد، حساسیت‌های اجتماعی کاهش یافته است.

کاظم‌زاده می‌گوید: «وقتی شما از حل کوچک‌ترین مسائل زندگی خودتان (مسائل اقتصادی) و اداره و کنترل محیط کوچک خانواده خودتان ناتوان باشید و مدام ذهنتان درگیر باشد، با اضطراب و نگرانی زندگی خواهید کرد. خاصیت اضطراب و نگرانی هم این است که شما را روی خودتان متمرکز نگه می‌دارد. به این ترتیب ممکن است آدم‌ها از بیرون بی‌تفاوت یا فاقد وجدان اجتماعی تلقی بشوند.»

به گفته این روان‌شناس، مطالعات انجام شده نشان می‌دهند در تمامی موقعیت‌های اضطراب‌زا (ابتدای جنگ‌ها و خیلی موقعیت‌های مختلف)، میزان حساسیت افراد به این دلیل که با مسائل جدی و حیاتی روبه‌رو هستند، فوق‌العاده کاهش پیدا می‌کند. در این شرایط، توجه به وضع دیگری، به موقعیت دیگری حساسیت نشان دادن و به طور مستمر به آن دیگری فکر کردن از بین می‌رود. البته این امکان وجود دارد که فرد در لحظه‌ای که خبر را می‌شنود واکنش هم نشان بدهد و حتی واکنش عاطفی شدیدی داشته باشد اما در محیطی که به دلایل مختلف و متنوع فرد احساس ناامنی و ناایمنی می‌کند، خیلی سریع مسائلی را که به طور مستقیم به خودش مربوط نمی‌شود پس می‌زند. جای این مسائل را مشکلات عدیده شخصی پر می‌کنند.

#### تأثیر اعتصاب غذا بر روان فرد

اعتصاب غذا چه تأثیری بر روان فرد می‌گذارد؟ آیا اعتصاب غذا می‌تواند تهدیدی برای سلامت روانی اعتصاب کننده باشد؟

رضا کاظم‌زاده در پاسخ به این پرسش‌ها می‌گوید که از دوزاویه

باشد یا موقعیتی که در آن قرار داده شده است. به عبارت دیگر می‌تواند وسیله‌ای باشد برای بیان بی‌عدالتی‌ای که بر فرد رفته است.

#### استیصال و اعتصاب غذا

گاهی اوقات اعتصاب غذا می‌تواند نشان‌دهنده نوعی استیصال و ناامیدی یا محرومیت‌های طولانی مدت باشد. رضا کاظم‌زاده با اشاره به این موضوع می‌گوید: «در اینجا یک مقدار مفهوم اعتصاب غذا نزدیک می‌شود به (شاید بشود گفت) خودزنی یا حتی خودکشی. در واقع اعتصاب غذا یکی از شیوه‌های کمتر رادیکال یا ابتدایی دست زدن به چنین اقداماتی‌ست. معمولاً زندانبان‌ها هم می‌دانند که اگر به شرایط زندانی توجه نکنند، این عمل می‌تواند عواقب وخیمی به دنبال داشته باشد.»

یافته‌های محققان در مجله «نیوساینتیست» نشان می‌دهد که مرگ می‌تواند در هر لحظه از اعتصاب غذا اتفاق بیفتد. اما از سوی دیگر اعتصاب غذا تنها مکانیزمی‌ست که یک زندانی احساس می‌کند از طریق آن هنوز می‌تواند در مقابل طرف مقابل خود (زندانبان یا کسانی که درباره حکم او تصمیم گرفته‌اند، حکومت یا دولت و ...) عرض اندام کند، او یا آنان را بر سر دو راهی انتخاب قرار دهد و احیاناً به نتیجه مطلوب برسد.

کاظم‌زاده معتقد است که اعتصاب غذا کننده از تنها ابزاری که همچنان برای مبارزه در اختیار دارد -یعنی حیات خودش-، برای وارد آوردن فشار و تغییر دادن موقعیتی که در آن قرار داده شده، استفاده می‌کند.

#### اعتصاب غذا و اطلاع‌رسانی

اعتصاب غذا جزو معدود امکاناتی‌ست که یک زندانی در اختیار دارد تا بتواند وضعیت خود را عمومی کرده و درباره آن در پهنه همگانی اطلاع‌رسانی کند. به بیان دیگر ممکن است اعتصاب غذا فرصت رسانه‌ای شدن شرایط یک زندانی را فراهم کند و این امکان را به وجود بیاورد که صدای او به گوش افکار عمومی برسد.

سیاوش بهمن، فعال حقوق بشر مقیم کانادا، پیش از این درباره این وجه از اعتصاب غذای زندانیان در ایران به زمانه گفته است: «در بعضی از موارد که اعتصاب غذا بدون پشتیبانی رسانه‌ای و افکار عمومی بوده، منجر به شکست شده است. می‌توان به نوعی گفت یک اعتصاب غذا زمانی موفق می‌شود که مسئولان متوجه هزینه تبلیغاتی‌اش بشوند. البته نگاه عموم

## اعتصاب غذا، کنشی علیه

### شیء انگاری زندانی



رضا حاجی حسینی

می‌آید که یک زندانی در چه شرایطی ممکن است دست به اعتصاب غذا بزند؟ به بیان دیگر اعتصاب کننده از نظر روانی به کجا می‌رسد که اعتصاب غذا را به عنوان یک کنش انتخاب می‌کند؟

در پاسخ به این سوال‌ها، رضا کاظم‌زاده، روان‌شناس و روان‌درمانگر مقیم بلژیک، به «حقوق ما» می‌گوید: «به شکل خیلی کلی اگر توضیح بدهم، وقتی کسی زندانی می‌شود در حقیقت از تمام حقوق مدنی‌ای که از آن‌ها برخوردار است محروم می‌شود، امکاناتش فوق‌العاده کاهش می‌یابد، توانایی‌ها و قدرت‌هایی را که در زمینه‌های مختلف دارد از دست می‌دهد و ... در واقع می‌شود گفت توانایی زندانی در مورد خودش و محیط بیرونش تقلیل پیدا می‌کند به بدنش. در این وضعیت اگر زندانی -به دلایل گوناگون- بخواهد حرف و سخن خودش را به گوش‌ها برساند یا عدم رضایتش را از امری نشان بدهد یا حتی اگر بخواهد از نامالایمات خلاصی بیابد؛ تنها امکانی که برایش وجود دارد میزان محدودی از قدرت است که در مورد بدنش و بر بدنش دارد.»

به گفته کاظم‌زاده، اعتصاب غذا -یعنی امتناع کردن از خوردن و آشامیدن- یکی از شایع‌ترین روش‌ها برای اعتراض است تا فرد بتواند صدای خود، خواست خود و نارضایتی خود را به گوش دیگران برساند.

از سوی دیگر اعتصاب غذا (مشخصاً در مورد زندانیان سیاسی)، می‌تواند از معدود ابزارهای اعتراض فرد به حکمش

در تعریف اعتصاب غذا در لغت‌نامه دهخدا آمده است: غذا نخوردن. امساک کردن از خوردن و آشامیدن به منظور تهدید و ارباب متصدیان امور برای رسیدن به امری. دانش‌نامه اسلامی هم اعتصاب غذا را به این ترتیب تعریف کرده است: نخوردن غذا جهت اعتراض. از آن در باب اطعمه و اشربه سخن رفته است. اعتصاب غذا جایز است و نمی‌توان کسی را به خوردن غذا مجبور کرد، مگر نخوردن به حد ضرر شدید برسد یا شخص در معرض مرگ قرار گیرد. در این صورت، ادامه اعتصاب حرام و بر دیگران واجب است غذا در اختیار او قرار دهند و در صورت اصرار بر اعتصاب، او را به خوردن مجبور کنند.

اما مهاتما گاندی، مشهورترین اعتصاب غذا کننده تاریخ در نامه‌ای به یکی از هوادارانش، درباره اعتصاب غذا نوشته است: «در شرایط مخصوص، پرهیز از خوردن غذا سلاحی است که خدا به ما داده تا در هنگام بی‌پناهی محض، از آن استفاده کنیم.»

مهاتما گاندی در طول زندگی‌اش در دهه‌های ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تجربه ۱۷ بار اعتصاب غذا را از سر گذراند.

با گذر از تعریف اعتصاب غذا، مواجهه با خبرهای مربوط به اعتصاب غذای زندانیان (عادی و سیاسی) که از قضا شمار آن در زندان‌های ایران نیز کم نیست، این پرسش به میان

با مسأله مشروعیت پیوند بخورد: «از این زاویه شاید تا حدی وارد حوزه ارزش‌ها و اخلاق فردی یا اجتماعی می‌شویم. در حقیقت ما قضیه اعتصاب غذا را به حفاظت از هویت فردی ربط می‌دهیم به این معنا که هویت فردی در شرایط زندان در معرض خطر قرار می‌گیرد. وقتی فرد را در داخل یک اتاق حبس می‌کنند، زندگی خصوصی او را به طور کامل از او می‌گیرند. گاهی فرد را به زندانی اتاق هفت یا هشت یا ۱۰ تبدیل می‌کنند و هدفشان این است که روی هویت خصوصی، درونی و مرکزی فرد تأثیر بگذارند. اعتصاب غذا در این حالت نوعی مخالفت با فشاری است که به هویت فردی می‌آید و یک نوع مکانیزم دفاعی است که می‌توان گفت هم قابل فهم است، هم ارزشمند برای حیات روانی فرد.»

#### اعتصاب غذا در مقابل «انسان‌سازی»

رضا کاظم‌زاده ضمن مقایسه وضعیت زندانیان در حکومت‌های توتالیتر با شرایط زندانیان در نظام‌های دموکراتیک می‌گوید: «در حکومت‌های دموکراتیک وقتی فرد را به مجازاتی محکوم می‌کنند، آن فشاری که وارد می‌شود و آن چه که به لحاظ روانی بخشی از مجازات است، فقط بر هویت اجتماعی-بیرونی فرد اثر می‌گذارد. یعنی فرد را منع می‌کنند از انجام شغلش، فرد را منع می‌کنند از بازی تمامی نقش‌های اجتماعی‌ای که برعهده دارد. مثلاً دیگر پدر نیست، همسایه نیست، عمو، خاله و ... نیست. نقش‌هایی را که فرد در محیط کار بازی می‌کرده از او می‌گیرند اما به هویت شخصی و مرکزی او حمله نمی‌کنند. یعنی تلاش نمی‌شود از فرد موجود دیگری با تعریفی کاملاً متفاوت از خودش و نقش‌هایش ساخته شود. این خیلی فرق می‌کند با شرایط کشورهای که زندانی شدن را و زندان را با دانشگاه اشتباه می‌گیرند و حتی زندان را نوعی مکان برای انسان‌سازی تلقی می‌کنند.»

به گفته کاظم‌زاده، حکومت‌های تمامیت‌خواه وظیفه خودشان می‌دانند هویت فرد را از درون تغییر دهند و در چنین وضعیتی است که اعتصاب غذا اهمیتی ویژه پیدا می‌کند: «اینجاست که مسأله کرامت انسانی مطرح می‌شود چون فرد فقط آنجا نیست که از نقش‌های اجتماعی‌اش محروم شود و دوران مجازات را بگذراند بلکه آنجاست تا بتوانند او را شست‌وشوی مغزی بدهند و دوباره تربیت کنند. اینجاست که اعتصاب غذا نوعی نه گفتن است به دخالت زندانبان در فضای درونی فرد.»



که فرد آن را برای حفظ عزت نفس خود و به منظور مقابله با از هم پاشیدگی روانی به کار می‌گیرد: «روان‌شناس می‌تواند بگوید که در راه تولید اعتماد به نفس و حس خود دوستی به منظور حفظ سلامت روان، اعتصاب غذا یک مکانیزم دفاعی است و در جریان آن فرد (در اینجا زندانی) سعی می‌کند از تمامیت خود و آنچه در زمینه اخلاق نامش را کرامت انسانی می‌گذارد، حفاظت کند. یعنی می‌توان اعتصاب غذا را به عنوان یک مکانیزم دفاعی برای حفاظت از کرامت انسانی تصور کرد.»

این نکته را اما باید مورد توجه قرار داد که ماجرای اعتصاب غذا یک جریان دوطرفه است و به تعبیر رضا کاظم‌زاده، معادله و معامله‌ای کاملاً دوسره. در این جریان با توجه به موقعیت خاصی که یک زندانی در آن قرار می‌گیرد، روشن نخواهد بود که اعتصاب غذای زندانی چه نتیجه‌ای به دنبال خواهد داشت. به عنوان نمونه کسی که پیشاپیش شکنندگی روانی داشته، اگر در موقعیت اعتصاب غذا قرار بگیرد ممکن است گرفتار آشفتگی روانی شود.

به این ترتیب امکانات فردی، موقعیت هر انسان در شرایط اعتصاب غذا و محیط بیرونی (در شرایط مختلف) تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که از این منظر، موضوع می‌تواند

می‌شود به این موضوع نگاه کرد: یکی از زاویه رابطه میان جسم و روان و یکی از زاویه ایجاد احساس ناتوانی در فرد. او در شرح زاویه اول می‌گوید: «این یک امر کلاسیک و شناخته شده در روان‌شناسی است که جسم و روان بی‌تأثیر از هم نیستند. افسردگی، ناراحتی و فشار روحی می‌تواند روی جسم فرد اثر بگذارد. مثلاً افسردگی و اضطراب‌های درازمدت می‌توانند موجب گرفتگی‌های عضلانی، دردهای کمر، سوء هاضمه و ... بشوند. از سوی دیگر یک سری اختلالات جسمانی می‌توانند بر وضعیت روان فرد تأثیر بگذارند. مثلاً الان خیلی مشخص و واضح شده است که اختلال در کارکرد غده گواتر بر روی احساسات و عواطف افراد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند نوعی افسردگی را در فرد تولید کند.»

به گفته این روان‌شناس، غذا نخوردن (در مورد اعتصاب غذا) به مرور باعث کاهش قوای ذهنی فرد می‌شود و بر تمرکز حواس و تمامی مکانیزم‌های عقلانی که در زبان عمومی از آن‌ها با عنوان هوشیاری یاد می‌شود، تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب میزان واکنش فرد نسبت به محیطی که او در آن زندگی می‌کند، به مرور کاهش می‌یابد.

اما این قضیه چنانکه گفته شد بعد دومی هم دارد: «بعد دوم قضیه این است که در خیلی از موارد با ادامه اعتصاب غذا، زندانی در خیلی از موارد احساس می‌کند تلاش حکومت (که با تمام قدرت و امکاناتش همراه است) نمی‌تواند محدوده کوچک توانایی و اراده او را در هم بشکند. این مسأله نه تنها در میان زندانیان سیاسی که در میان زندانیان عادی هم نوعی اعتماد به نفس و عزت نفس به همراه می‌آورد، به این معنا که فرد احساس می‌کند توانسته است رابطه قدرت را تا حدی تغییر دهد و خودش را تا مقام فردی که مشغول گفت‌وگو با قدرت است، بالا ببرد.»

#### زندانی به مثابه یک شیء

از جمله مسائل مهم در کشورهایی مثل ایران که حاکمیتی تمامیت‌خواه در آن‌ها برقرار است، تبدیل شدن زندانی به یک شیء است.

رضا کاظم‌زاده با تکیه بر این نکته می‌گوید: «در زندان‌هایی مثل زندان‌های جمهوری اسلامی این احساس به زندانی تلقین می‌شود که زندانبان می‌تواند هر کاری دوست داشته باشد با او بکند. این مسأله تنها به احکام حبس طولانی مدت یا حتی حذف فیزیکی بر نمی‌گردد، بلکه بر این قاعده استوار است که می‌توانند اراده و حتی تمایلات زندانی را کاملاً تحت کنترل در بیاورند.»

بر این مبنا شاید یکی از کارکردهای رایج شکنجه سفید و شکنجه روانی همین در هم شکستن اراده زندانی باشد. در چنین شرایطی اعتصاب غذا از مواردی است که ممکن است اتکا و اعتماد به نفس را دوباره به زندانی برگرداند.

به گفته کاظم‌زاده، اعتصاب غذا کننده شکلی از خروج از حالت شیء بودگی را تجربه می‌کند و وضعیت خود را از انفعال در روان به فاعل بودن و تأثیرگذار بودن تغییر می‌دهد؛ نوعی از کسب برابری در مقابل نیروی قهار و سرکوبگری که در مقابل زندانی قرار گرفته است.

#### مشروعیت اعتصاب غذا

با توجه به دستاوردهایی که اعتصاب غذا ممکن است برای یک فرد (زندانی یا غیرزندانی) داشته باشد، آیا از نظر روانی می‌توان به اعتصاب غذا مشروعیت داد؟ آیا می‌توان اعتصاب غذا کردن را به یک زندانی توصیه کرد؟

رضا کاظم‌زاده در پاسخ به این پرسش‌ها می‌گوید که این کار یک روان‌شناس نیست و یک روان‌شناس نمی‌تواند در این مورد اظهار نظر کند.

به گفته این روان‌درمانگر، روان‌شناس می‌تواند این موضوع را از این منظر شرح دهد که اعتصاب غذا مکانیزمی دفاعی است

## بررسی اعتصاب غذای زندانیان از منظر حقوقی و اجتماعی در ایران



عسل همتی

زندانیان بخش‌های دارد به نام تخلفات. در ماده ۱۶۷ این آیین‌نامه بخشی آمده که شکایت و اعتراض به صورت دسته‌جمعی و اعتصاب محکومان و متهمان به کلی ممنوع است. وقتی می‌گویند تخلف است، یعنی می‌توان با فرد برخورد کرد.» این حقوقدان در پاسخ به اینکه اگر زندانی بر اثر اعتصاب غذا از بین برود مسئولیت این امر بر عهده چه کسی است، توضیح داد: «اگر فرد زندانی بمیرد یا به سلامتی او آسیب وارد بشود در ایران مسئولان هیچ مسئولیتی ندارند و تاکنون نشده یک مسئول بر این اساس محاکمه شود. به طور کلی مسئولیت درمان زندانی‌ها به عهده سازمان زندان‌ها است و اگر کسی اعتصاب کند باید به خارج از زندان و بیمارستان منتقلش کنند و به این شکل به آن رسیدگی کنند.» اما در ایران اولین رفتاری که با فرد اعتصاب‌کننده انجام می‌شود، چیست؟ موسی برزین می‌گوید: «اولین کار این است که فرد را به انفرادی منتقل می‌کنند که روی بقیه زندانیان تأثیر نگذارد یا وقتی زندانیان وضعیت نامساعد شخص را می‌بینند دست به اعتراض دسته‌جمعی نزنند. به جز این، او را تحت فشار قرار می‌دهند چون وقتی فرد به انفرادی می‌رود فشار بیشتری را تحمل می‌کند و ممکن است زودتر به اعتصاب خود پایان بدهد.»

این وکیل سابق دادگستری همچنین گفت: «در روزهای بعد خانواده و وکیل زندانی را قانع می‌کنند که به او فشار بیاورند تا

اعتصاب را بشکنند. پس از این مرحله مسئولان زندان معمولاً با وعده و وعید سعی در مجاب کردن فرد زندانی دارند که در خیلی از موارد این مجاب کردن به فشار منجر می‌شود. خشونت یا به زور خوراندن، روش‌های مجاب کردن آن‌ها محسوب می‌شود و سعی می‌کنند اعتصاب او را بشکنند.»

### پایان اعتصاب به روش خوراندن سرم غذایی

موسی برزین در ادامه گفت: «مجازات اعتصاب غذا در ماده ۱۷۵ قانون آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها آمده است که محرومیت از ملاقات حداکثر تا سه نوبت یا نگهداری از فرد زندانی در سلول انفرادی حداکثر تا ۲۰ روز. یک سری تنبیه‌های دیگر هم وجود دارد که می‌توانند به زندانی فشار بیاورند مثل به اجبار غذا دادن.» او ادامه داد: «به طور کلی در این مورد یک رویه واحد در کشورها وجود ندارد ولی قانونی وجود دارد که وقتی خطر مرگ برای زندانی وجود دارد مسئولان زندان موظف هستند او را درمان کنند. بحث غذا دادن به کسی که اعتصاب غذا کرده مثل درمان است و وارد مسائل پزشکی می‌شود. ولی بحث دیگری هم وجود دارد. اینکه در موارد پزشکی، درمان با رضایت بیمار انجام می‌شود. نمی‌شود به زور فرد را برای درمان ببرند. اما آنچه که در ایران شاهدش هستیم این است که به زور و اجبار عمل خوراندن به زندانی انجام می‌شود مثلاً نوشیدنی شور و شیرین و سرم‌های غذایی به زندانی می‌دهند و از مرگ زندانی به این شیوه جلوگیری می‌کنند.»

برزین با اشاره به اینکه مسئولان بدون اعتنا به خواسته فرد زندانی اقدامات مختلفی انجام می‌دهند، ادامه داد: «چیزی که در ایران در این نوع از اعتراض شاهد هستیم این است که مسئولان سعی می‌کنند هر طور شده به اعتراض آن پایان بدهند نه آنکه به خواسته فرد توجه کنند تا از آن طریق فرد به اعتراض خود پایان بدهد. در صورتی که درست این است که توجه به خواسته بشود نه اینکه توجه بر چگونگی خاتمه دادن اعتصاب غذای زندانی باشد.»

### رفتار غیر انسانی با اعتصاب‌کنندگان

برای بررسی وضعیت اعتصاب زندانیان در ایران از منظر جامعه‌شناسی با حسین قاضیان پژوهشگر و جامعه‌شناس مقیم آمریکا گفت‌وگو کردیم. قاضیان در رابطه با این روش اعتراض در کشورهای دیگر می‌گوید: «اطلاعاتی که در مورد

کشورهای مختلف وجود دارد بسیار پراکنده و مدون نشده است. برخی از این موارد رسانه‌ای شده‌اند و تاریخی، و برخی دیگر مورد توجه قرار نگرفته‌اند.» او با اشاره به ماجرای اعتصاب بابی ساندز گفت: «بسیاری از ما از موضوع اعتصاب غذای بابی ساندز و مرگ غم‌انگیزش با خبریم. اعتصاب بابی ساندز در روزگار خودش یک خبر مهم برای رسانه‌ها بود. اما بسیاری از ما شاید ندانیم که در این اعتصاب غذا ۹ نفر دیگر هم جان سپردند. اما شهرت بابی ساندز که به عضویت پارلمان هم درآمده بود تا حد زیادی جهانی شد.»

این پژوهشگر همچنین می‌گوید: «در همه این سال‌ها از این دست موارد کم اتفاق نیفتاده است. مثلاً برخی فهرست‌ها دست‌کم بیش از ۳۰ مورد مرگ بر اثر اعتصاب غذا را گزارش کرده‌اند، اما احتمالاً بسیاری از ما چندان از این موارد با خبر نشده‌ایم چون رسانه‌ای نشده‌اند یا از سطح محلی فراتر نرفته‌اند. با این اوصاف به دشواری بشود ارزیابی درستی از میزان رواج این شیوه در سطح جهانی و مقایسه آن با ایران به دست داد.»

حسین قاضیان در رابطه با این موضوع در زندان‌های ایران گفت: «معمولاً در زندان‌های ایران این کار نتیجه‌ای در پی ندارد و متهمان همچنان در همان شرایط بد موجود و با وضعیت بدنی و روحی بدتر از قبل دوران حبس خود را پشت سر می‌گذارند.»

او در رابطه با رفتار نظام سیاسی و امنیتی با زندانیان در ایران گفت: «در زندان‌های ایران اعتصاب غذا معمولاً فقط در میان زندانیان سیاسی رایج است. اما رفتار نظام سیاسی و امنیتی با این زندانیان حتی بر مبنای قوانین سازمان زندان‌ها هم نیست چه رسد به اصول انسانی. بنابراین اعتصاب غذای زندانی در موارد بسیار نادری ممکن است به نتیجه برسد چون نظام سیاسی و امنیتی مایل نیست با پذیرش خواسته‌های زندانی اعتصاب غذا کرده، سلاحی به دست زندانی سیاسی بدهد.» این جامعه‌شناس تأکید کرد: «تنها راهی که برای زندانی می‌ماند به کمک طلبیدن افکار عمومی برای فشار به تصمیم‌گیران سیاسی و امنیتی است. اما جامعه‌ی ما به طور کلی به درد و رنج دیگران چندان اعتنایی ندارد. این بی‌اعتنایی در مورد زندانیان و زندانیان سیاسی هم ساری و جاری است.»



## تأثیر در افکار عمومی

این جامعه‌شناس در پاسخ به اینکه اعتصاب غذای زندانی و به خطر افتادن جان او چقدر بر افکار عمومی تأثیر دارد گفت: «اعتصاب غذای زندانیان سیاسی آن قدرها که برای خود زندانی مهم است و به قول شما جان او را نشانه گرفته، عواطف و احساسات مردم را نشانه نمی‌گیرد. در نتیجه، آن فشاری که افکار عمومی باید روی دست در کاران سیاسی و امنیتی وارد کند تا به خواسته‌های زندانی اعتصاب کننده پاسخ بدهند، چندان شکل نمی‌گیرد.»

حسین قاضیان در رابطه با راه‌اندازی کمپین‌هایی که برای این نوع اعتراض‌ها به تازگی راه می‌افتد نیز گفت: «این رویه که فردی به خاطر ستم مضاعفی که در زندان تحمل می‌کند ناچار دست به اعتصاب غذا می‌زند، موضوع قابل فهمی است. اما ببینیم این موضوع چه شکلی پیدا کرده است؟ رویه مرسوم این شده که فرد برای رسیدن به خواسته‌ای دست به اعتصاب غذا می‌زند و معمولاً بدون رسیدن به نتیجه، به خاطر کمپین‌های

درخواست پایان اعتصاب غذا، به اعتصابش پایان می‌دهد. از این جهت که فرد (با وجود رنج بسیار و آسیب‌های بعدی ناشی از اعتصاب غذا) دست کم جانش را از دست نمی‌دهد، جای خوشحالی دارد. اما این رویه باعث می‌شود که مخاطب بیرونی به مرور اخبار مرتبط با این موضوع را یک خبر آشنا، با سرانجامی معلوم، بداند. در نتیجه، آن مقدار پشتیبانی عاطفی، رسانه‌ای و سیاسی لازم را هم پشت این تقاضا ایجاد نکند.»

او در پاسخ به این سوال که آیا فضای مجازی به این عادی شدن کمک کرده یا خیر؟ به حقوق ما گفت: «خود فضای مجازی هم از این بابت به عادی شدن این قضایا کمک کرده است. زمانی که ما فقط با رسانه‌های همگانی سروکار داشتیم، این رسانه‌ها این همه پرتعداد نبودند، و رسانه‌های اجتماعی هنوز پا به عرصه نگذاشته بودند، خبرابهت و عظمتی داشت و مدت‌ها در اذهان می‌ماند. خبریابی ساندز به همین ترتیب در تاریخ مانده است. اما امروزه رسانه‌های همگانی بسیار



پر تعدادند، رسانه‌های اجتماعی پرتعدادتر و تعداد تولید کنندگان رسانه‌ای بیشتر. به علاوه وجود موبایل‌های نسل جدید که در ساعات زیادی از روز همراه ما هستند، باعث شده مصرف رسانه‌ای ما شدت گرفته و ما زیر آوار خبرها له و لورده شویم. در نتیجه، هر خبری زیر امواج خبرهای بعدی مدفون می‌شود و زهرش گرفته می‌شود.»

او با اشاره به اینکه خبرهای اعتصاب غذا هم متمایز از خبرهای دیگر نیست، ادامه داد: «این کمپین‌ها که اخبار اعتصاب را بر سر و صورت مخاطبان رسانه‌ها می‌کوبند، گاهی به خلاف مقصود منجر می‌شوند چون در واقع با تشدید امواج خبری، موضوع اعتصاب غذا عملاً عادی، و به مرور کم تأثیر می‌شود و از خاصیت «خبر» بودن می‌افتد. در نهایت هم، منجر به ایجاد «فشار» افکار عمومی نمی‌شود ولی نمایشی از افکار عمومی را بروز می‌دهد که ممکن است فریبنده باشد.» این پژوهشگر اجتماعی در رابطه با تأثیر بسیج نیروی اجتماعی بر این مساله نیز گفت: «بسیج نیروی اجتماعی وقتی ممکن

است که گفتار یا گفتمان بسیج کننده‌ای وجود داشته باشد و گفتار یا گفتمان بسیج کننده، اگر بخواهد بسیج عمومی ایجاد کند مستلزم وجود فراگیری و هژمونی گفتمانی است. این گفتمان وقتی احتمال پاگرفتن دارد که ارزش‌های اساسی و خواسته‌های مردمی که در یک قلمرو معین (مثلاً یک کشور) زندگی می‌کنند، تا حد زیادی اشتراک داشته باشد.»

قاضیان در انتها افزود: «ما در حال حاضر، به دلایل متعدد، در چنین وضعیتی نیستیم. ساختار رسانه‌ای جدید و نیز شیوه‌های مصرف رسانه‌ای ما هم تیغی دو لبه است که اگر هم حکومت‌های ستمگر را ببرد، به شکل گیری آن گفتمان عمومی بسیج‌گر هم کم زخم نمی‌زند، با این همه، گاهی نیز ممکن است این نیرو به صورت موقت و موردی شکل بگیرد و بنا به ملاحظات، در یک موقعیت معین، موثر واقع شود، مانند آن سه جوانی که با بالا گرفتن امواج درخواست‌ها در شبکه‌های اجتماعی، حکم اعدامشان متوقف شد.»

## نظام جمهوری اسلامی، مسوول جان زندانیان اعتصاب‌کننده

مقیمی: اعتصاب غذا یک «حق» نیست



جواد عباسی توللی

هدی صابر، فعال سیاسی روز ۱۲ خردادماه ۱۳۹۰ در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد و ۹ روز بعد بر اثر سکت قلبی ناشی از اعتصاب غذا، جان خود را از دست داد. اکبر محمدی یکی دیگر از زندانیان سیاسی بود که در ارتباط با اعتراضات دانشجویی تابستان ۱۳۷۸ در دانشگاه تهران بازداشت شد و در هشتم مردادماه ۱۳۸۵ پس از چند روز اعتصاب غذای خشک، در زندان اوین درگذشت.

وحید صیادی نصیری شاید متأخرترین نمونه از زندانیان سیاسی باشد که به دلیل اعتصاب غذا جان خود را از دست داده است. او در ۲۱ آذرماه ۱۳۹۷ نصیری بر اثر صدمات جسمی حاصل از دو ماه اعتصاب غذای طولانی مدت در زندان لنگرود قم و پس از تحمل هفت روز بستری در بیمارستان شهید بهشتی قم جان خود را از دست داد.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران در اعتراض به وضعیت‌شان همچنان ادامه دارد. امری که در بیشتر موارد با بی‌اعتنایی مسئولان قضایی مواجه می‌شود. هرچند علل اعتصاب غذای زندانیان سیاسی با یکدیگر متفاوت است اما وجه اشتراک همه آنها محروم ماندن از حقوق اساسی به‌عنوان یک زندانی سیاسی و اعتراض به روند رسیدگی قضایی به پرونده‌شان است. اعتصاب غذا یا آسیب زدن به خود در واقع به‌عنوان آخرین راهی است که یک زندانی برای برآورده شدن مطالباتش با سر دست گرفتن جان و سلامت خویش، آن را برمی‌گزیند.

در رابطه با نفس اعتصاب غذا پرسش‌های زیادی مطرح است از جمله اینکه آیا حق زندانی برای اعتصاب غذا در قوانین ایران به رسمیت شمرده شده؟ آیا مسوولان زندان یا مقام‌های قضایی

«او با نخوردن غذا و آب، مرگ را برگزیده است، که ممکن است سبب فضیحت من شود، چون رسمی است - رسمی دبیرین و نایب‌خردانه - که اگر به مردی ظلم شود یا خیال کند که به او ظلم شده، و بردرگاه خانه ظالم گرسنگی بکشد تا بمیرد، مردم تا ابد، بر آن درگاه فریادی سهمگین سرخواهند داد، حتی اگر آن درگاه، درگاه شاه باشد.»

نمایشنامه درگاه شاه، اثر ویلیام باتلر ییتس نویسنده ایرلندی اعتصاب غذا از جمله روش‌های قدیمی اعتراض بدون خشونت است. گفته می‌شود اولین نمونه‌های تاریخی این روش از مقاومت سیاسی، به حدود ۲۵۰۰ سال پیش در هند باستان باز می‌گردد. نمونه‌های بسیاری از اعتصاب غذا هم می‌توان در دوره قرون وسطی در اروپا سراغ گرفت.

مهاتما گاندی از سرشناس‌ترین نمونه معاصر در اعتصاب غذا است. او در طول زندگی خود دست‌کم ۱۷ بار اعتصاب غذا کرد و با توسل به همین روش توانست بخش اعظم مطالبات خود را برآورده کند.

بابی ساندز، جمهوری‌خواه ایرلندی، نمونه شناخته شده دیگری از زندانیان سیاسی معاصر است که نامش همواره با اعتصاب غذا تداوم می‌شود. او در سال ۱۹۸۱ در زندان بلفاست دست به اعتصاب غذا زد که در نهایت پس از تحمل ۶۶ روز گرسنگی جان خود را از دست داد.

در سال‌های پس از شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران هم نمونه‌های فراوانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی خبرساز شده است. اعتصاب‌هایی که گاهی به مرگ زندانیان منجر شده است.

دو نفر از اعضای موسسه فرهنگی الحوار در استان خوزستان به دلیل عوارض ناشی از اعتصاب غذا و همچنین آسیب‌هایی که طی حبس انفرادی طولانی مدت در اثر شکنجه‌های فیزیکی و روانی متحمل شده‌اند، باید فوراً تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرند.

خانواده این زندانیان سیاسی اعلام کرده‌اند که مسئولان زندان شیبان نه تنها به درخواست‌های این زندانیان اعتنایی نکرده‌اند بلکه به صورت تنبیهی آن دو را به سلول‌های انفرادی منتقل کرده‌اند.

محمد مقیمی اما با تأکید بر این نکته که این‌که اعتصاب غذا صدمات جسمی و روحی بسیاری بر روی شخصی که اعتصاب می‌کند بجا می‌گذارد که برگشت پذیر نیست، در رد اعتصاب غذا به عنوان «یک حق» می‌گوید: «قانونگذار نمیتواند عملی که موجب به خطر افتادن سلامتی اشخاص می‌شود را به عنوان حق مورد شناسایی قرار دهد، بلکه باید علت را دچار کند، نه این‌که معلول ناهنجار را مشروعیت بخشد.»

برخی از گزارش‌ها در سال‌های گذشته حاکی از این است که در مواردی مسئولان زندان‌ها به دلیل هراس از دست رفتن جان زندانی، او را وادار به خوردن غذا کرده‌اند. همچنین در بسیاری از موارد مسئولان زندان در هنگامی که زندانیان پس از روزها اعتصاب غذا در وضعیت بی‌حالی و بی‌هوشی به سر می‌برند، با تزریق سرم و خوراندن اجباری دارو سعی در شکستن اعتصاب غذای او می‌کنند.

مقیمی خوراندن اجباری غذا به زندانی‌ای که اعتصاب غذا کرده را عملی غیرانسانی توصیف می‌کند و معتقد است مسئولان زندان اساساً نباید اجازه دهند کار به جایی برسد که زندانی برای برآورده شدن مطالباتش به اعتصاب غذا متوسل شود.

او معتقد است که در جهان امروز و طبق موازین و استانداردهای حقوق بشری، به طور کلی نباید زندانی سیاسی وجود داشته باشد: «به هر روی متأسفانه در برخی از کشورها از جمله ایران زندانی سیاسی وجود دارد، ولی برابراصول حقوقی پذیرفته شده در جامعه بین‌المللی، زندانیان به‌ویژه زندانیان سیاسی باید از حق و حقوقی برخوردار باشند که در ایران اینچنین نیست و گاهی زندانیان سیاسی در اعتراض به این وضعیت و به‌عنوان آخرین راه مجبور به اعتصاب غذا می‌شوند.»

این وکیل دادگستری در پاسخ به این پرسش که آیا مسوولان زندان یا مقام‌های قضایی مسئولیتی در قبال دادن جان و سلامتی زندانی به خاطر اعتصاب غذا دارند؟ می‌گوید: «بطور کلی کل نظام جمهوری اسلامی، قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها در قبال جان همه زندانیان از جمله زندانیان سیاسی مسئول هستند و در خصوص جان شخصی که اعتصاب غذا کرده است به طریق اولی مسئولیت دارند.»



مسئولیتی در قبال از دست دادن جان و سلامتی زندانی به خاطر اعتصاب غذا دارند؟

محمد مقیمی، وکیل دادگستری و کارشناس حقوق بشر در گفت‌وگو با حقوق ما بر این باور است که طبق موازین حقوقی بین‌المللی اساساً نباید زندانی سیاسی و عقیدتی وجود داشته باشد و اگر هم وجود دارد، وضعیت این زندانیان باید به شکلی باشد که کار به اعتصاب غذا نرسد.

او می‌گوید: «اعتصاب غذا یک حق نیست چرا که وجود زندانی سیاسی عملی است که خلاف موازین حقوقی جهان امروز است، بنابراین اگر اعتصاب غذا به عنوان یک حق در قانون شناسایی شود، در واقع بطور ضمنی داشتن زندانی سیاسی را مشروعیت می‌بخشد.»

طبق اعلام منابع حقوق بشری، در حال حاضر دو زندانی سیاسی عرب و محبوس در زندان شیبان اهواز، در اعتراض به وضعیت نامناسب زندان و محرومیت از روند دادرسی عادلانه دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

بر پایه آخرین گزارش‌ها، محمدعلی عموری نژاد و مختار آلبوشوکه،

## حق اعتصاب غذا در زندان‌ها



نیره انصاری

جوامع بشری از دیر زمانی بدین سو با مفاهیم زندان و زندانی آشنا بوده و برداشت‌های متفاوت و گوناگونی از آن داشته‌اند. گاه زندان را زمین مغضوب خداوند دانسته و زندانی را از دایره انسانیت به دور تصور کرده، زمانی هم در برابر موسسه زندان و اشخاص زندانی بی تفاوتی اختیار کرده و زندانی و زندان را جزو امور مکانیکی مربوط دولت قلمداد کرده‌اند.

اما امروزه تعریف زندان از یک سو به استناد قوانین و مقررات بین المللی به عنوان موسسه اصلاح‌کننده زندانیان با حفظ کرامت و حیثیت ذاتی بشری و ارایه تمام خدمات لازم انسانی و زمینه‌ساز تمامی فعالیت‌هایی که منتج به حفظ و تکامل شخصیت محبوس هم به حیث مادی و نیز از نظر معنوی شمرده شده است و از دیگر فراز تحلیل حقوق و وضعیت زندانیان، گذشته از اینکه چه جرمی را مرتکب شده‌اند، توسط دانشمندان و علمای روان‌شناسی، حقوق، جامعه‌شناسی و سایر علوم مرتبط ارایه شده است.

در قوانین بین المللی و قوانین داخلی بیشتر کشورها، حقوق زندانیان امری «مسلم» است. اما آنچه برجسته می‌نماید، کیفیت نظارت بر رعایت این حقوق در زندان‌ها در مرحله عمل و اجرا است. حقوقی که به باور کارشناسان، سخن از اعطای آن به زندانی موضوعیت ندارد زیرا که این بخشی از حقوق ذاتی یک زندانی است. در اسناد بین‌المللی نیز به حقوق زندانیان و چگونگی زندان‌ها از ابعاد مختلف پرداخته شده، که اساس همی این اسناد بین‌المللی حقوقی را اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تشکیل می‌دهد.

اما اسناد اختصاصی حقوقی بین‌المللی در این راستا عبارت‌اند از مجموعه قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان که براساس قطع‌نامه ۲۰۲۶ مورخ ۱۳ مه ۱۹۷۷ ملل متحد، استانداردها و هنجارهای سازمان ملل متحد در زمینه پیش‌گیری از جرم و عدالت جزایی و اصول اساسی در رفتار با زندانیان که براساس قطع‌نامه شماره ۱۱۱/۲۵ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد تهیه

شده است. افزون بر اسناد بین‌المللی و سایر مصوبه‌ها و پروتکل‌ها، دول مختلف با الهام و رعایت از این ارزش‌ها و ضوابط بین‌المللی، قواعد ملی خود را نیز وضع کرده‌اند که مربوط به آئین نامه اجرایی سازمان زندان‌هاست.

این اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی، افزون بر حق تندرستی محبوسین و رعایت آن‌ها در بازداشتگاه‌ها و دیگر اماکن سلب آزادی، به سایر حقوق زندانیان و رعایت آن در زندان‌ها پرداخته است.

یکی از مواردی که در اصول اساسی در خصوص رفتار با زندانیان و نحوه رفتار و روش انسانی با این دسته انسان‌ها از سوی ملل متحد تصویب شده، یکی حق سلامت است که چنین می‌گوید: «زندانیان به خدمات پزشکی / درمانی و بهداشتی موجود در کشور بدون تبعیض به علت موقعیت قانونی خود، دسترسی داشته باشند.»

اگر به نصوص حقوقی ملی و بین‌المللی مورد اشاره در بالا نظر اندازیم، به سادگی به این نتیجه می‌رسیم که بنا بر موجودیت نواقص و کمبودهای متعدد حقوقی، مدیریتی و... اما این حقوق بنیادین بشری، به رغم ضرورت آن، حتا در سطح حداقلی آن (به ویژه در شرایط شیوع کووید ۱۹) تامین نگردیده است، با توجه به واقعیت‌های ذیل:

- جابه‌جایی هزاران فرد تحت توقیف و محبوس در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، که گنجایش این تعداد را در حالت عادی ندارند، چه رسد در وضعیتی که کرونا، اماکن سلب آزادی را نسبت به هر جای دیگر بیش‌تر تهدید می‌کند.
- ضعف سیستم ارایه خدمات پزشکی / درمانی در زندانها و بازداشتگاه‌ها؛
- عدم تطابق ساختمان‌های زندان‌ها با استانداردهای بین‌المللی، که حتا در بعضی موارد از ساختمان‌های مسکونی برای زندانها و بازداشتگاه‌ها استفاده می‌شود؛
- عدم موجودیت رژیم غذایی مناسب و کافی؛
- عدم موجودیت کادر متخصص طبیبی و کلینیک در داخل زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها.

گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران در گزارشهای خود به کرات از مقام‌های جمهوری اسلامی خواسته‌اند که به وضعیت زندانیانی که در زندان‌های ایران اعتصاب غذا کرده‌اند، رسیدگی کنند؛

فراتر از این گزارشگران سازمان ملل ویژه ایران، در هر برهه‌ای از زمان در گزارش‌هایی که نسبت به وخامت وضع سلامتی زندانیان اعتصابی، و شکنجه و برخورد نامناسب با آنان منتشر شده، عمیقاً ابراز نگرانی کرده‌اند.

محروم کردن زندانیان از تماس با خانواده و وکیل و محرومیت از دسترسی به امکانات درمانی «برخلاف و مغایر با قوانین بین‌المللی» است.

قوانین مربوط به حقوق زندانیان چیست و نهاد ناظر کیست؟ در ایران قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی در رابطه با حقوق زندانیان و متهمان وجود دارد. در قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها از حقوق شهروندی زندانیان و متهمان یاد شده است.

در قانون اساسی اصل‌های ۳۲ تا ۳۹ قانون اساسی توجه به حقوق دستگیرشدگان و افرادی که در مظان اتهام قرار دارند، داشته و مراجع قضایی را ملزم و مکلف به رعایت قوانین در این زمینه کرده است. مانند: اصل برائت متهمان، منع شکنجه، منع گرفتن اعتراف اجباری زیر شکنجه، ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون بازداشت، زندانی یا دستگیر شده است، حق استفاده از وکیل، اجتناب از اعمال سلیقه و سوء استفاده از قدرت و استفاده از خشونت هنگام صدور قرارهای تامین و بازداشت، اجتناب از استفاده از چشم‌بند و تحقیر در جریان بازجویی، حق دسترسی به درمان، بهداشت، آب و غذا و حق ملاقات و تماس با وابستگان و غیره... مندرج است.

به استناد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، دادگاه‌های عمومی انقلاب و نظامی، دادرها و ضابطان قضایی (اعم از افراد نیروی انتظامی و ماموران

آگاهی) به رعایت حقوق شهروندی زندانیان و متهمان ملزم شده‌اند.

در قانون مجازات اسلامی نیز برای نقض بسیاری از قوانین مربوط به حقوق زندانیان و متهمان توسط مأمورین قضایی یا غیرقضایی مجازات تعیین شده است.

از این بیش «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مسئول نظارت بر زندان‌ها و اجرای قوانین مربوط به حق حیات و سلامت و دیگر حقوق شهروندی زندانیان در ایران است. این نهاد به طور مستقیم تحت نظارت رئیس قوه قضاییه قرار دارد.

از نظر مسئولان قوه قضاییه: «اگر هم حقوق زندانی نقض شده باشد، مربوط به یک مورد یا شخص خاص است. برای نمونه بازجو ممکن است تخلف کرده باشد و نباید آن را به حساب کل مجموعه گذاشت.» این دیدگاه صادق لاریجانی، رئیس پیشین قوه قضاییه، درباره پرونده شکایت سپیده قلیان و اسماعیل بخشی بود. اما گستردگی نقض حقوق زندانیان در ایران نشان می‌دهد که این روند فراتر از خطای فردیست و کل سیستم قضایی را در برمی‌گیرد.

آنچه تجربه به ما نشان می‌دهد این است که مقامات دولتی در ایران هنگامی که با پرسش‌هایی درخصوص وضعیت مدافعان حقوق بشر و دیگر زندانیان سیاسی روبه‌رو می‌شوند اغلب موضوعاتی مانند حاکمیت و استقلال قضایی را مطرح می‌کنند تا بی‌مسئولیتی خود را پوشش دهند. اما این حرکت این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که مقامات مسئول امنیت و زندگی بازداشت‌شدگان هستند و هیچ قانون داخلی یا بین‌المللی به مقامات اجازه نمی‌دهد که دسترسی یک زندانی به درمان پزشکی حیاتی فوری را بی‌دلیل به تأخیر بیندازند.

به نظر می‌رسد مقامات قوه قضاییه و زندان‌ها بی‌شرمانه از نیازهای پزشکی زندانیان به عنوان اهرمی برای اعمال فشار بیشتر به زندانیان و خانواده‌هایشان استفاده می‌کنند. این رفتار بدون توجیه و خودسرانه ناپسندتر از معمول هم هست زیرا اکثر زندانیان نباید اساساً راهی



زندان می‌شدند.

از دیگر سو قانون جرم سیاسی بسیار دیر هنگام به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده اما تاکنون هیچ‌گونه تعریف و تبیین مشخصی از «جرم سیاسی» ارائه نشده است. نتیجه چنین عملکردی این است که اکنون کسانی که در واقع مجرم سیاسی محسوب می‌شوند به عنوان متهم امنیتی محاکمه شده و در زندان به سر می‌برند. افزون بر این امر، این مجرمان سیاسی پیش از این منتقد سیاسی بوده‌اند و در حال حاضر به موجب قانون اساسی از حقوق مسلم خودشان محروم شده‌اند و اکنون در شرایطی در زندان به سر می‌برند که حق آنان ضایع شده است.

#### دلایل اعتصاب غذای زندانیان

زندان‌های سیاسی بارها اعتراض خود را اعلام کرده‌اند اما هنگامی که با سکوت مسئولان مواجه می‌شوند دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

۵ / «عدم امنیت جانی» و «شرایط غیرانسانی» در زندان اعتصاب غذا؛

و این در حالی است که سخنگوی قوه قضاییه در ایران پس از کشته شدن علیرضا شیرمحمدعلی در زندان فشافویه توسط دو مجرم خطرناک، دلیل اجرا نشدن طبقه‌بندی زندانیان را «کمبود بودجه» اعلام کرده بود! حال آنکه ماده ۸ آئین نامه اجرایی سازمان زندانها در خصوص «تفکیک جرائم بر اساس جرم و مجازات» است. در این باره تنها بند مجرمان مالی (مانند صادرکنندگان چک بلامحل و مهریه) رعایت می‌شود.

وی در جای دیگری اعلام نمود که «واقعاً زندانی سیاسی نداریم» و زندانیانی که در ایران محبوس هستند، «تروریست» هستند یا «با اصل نظام و انقلاب مخالف هستند» یا با «سرویس‌های جاسوسی همکاری کرده‌اند و زندانی سیاسی نیستند»!

بارها خانواده‌های زندانیان و خود زندانیان از مسئولان قضایی خواسته‌اند که بر اساس قانون تفکیک جرائم عمل کنند، اما این امر به جایی نرسیده، به نحوی که فرزندان زندانی ناگزیر شده‌اند برای رسیدن به خواسته قانونی خود دست به اعتصاب غذا بزنند.

۶ / پذیرش آزادی مشروط زندانیان سیاسی توسط مسئولان زندان، حذف واژه امنیتی و به رسمیت شناخته شدن زندانیان سیاسی، عدم برخورد سلیقه‌ای قضات دادگاه انقلاب با وکلای زندانیان سیاسی، داشتن وکیل از بدو دستگیری تا آخرین مرحله پرونده متهمین سیاسی و ابطال کلیه احکام اعدام و حکم‌های سنگین چندین ساله زندانیان سیاسی» از دیگر خواسته‌های این زندانیان سیاسی است که به دلیل عدم اجرای این خواسته‌های بنیادین دست به اعتصاب غذا می‌زنند؛

۷ / و نیز عدم رسیدگی‌های پزشکی / درمانی و بهداشتی از دیگر دلایلی است که زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

۸ / این زندانیان و خانواده‌هایشان اساساً خواستار محقق گشتن خواسته‌های بنیادین و اساسی‌شان از جمله

در حقیقت بنابر اظهارات خانواده‌های زندانیان سیاسی که در زندان‌های مختلف ایران دست به اعتصاب غذا می‌زنند، عدم توجه مسئولان زندان‌ها و دستگاه قضایی ایران به خواسته‌های قانونی این دسته از زندانیان سیاسی، دلیل اعتصاب غذای آنها محسوب می‌گردد. این خواسته‌های قانونی را می‌توان تفکیک نمود:

۱ / یکی از دلایل اعتصاب در اعتراض به روند دادرسی‌های ناعادلانه و شرایط زندان‌ها است و تأکید می‌کنند که تا رسیدن به خواسته‌های خود به اعتصاب غذا ادامه خواهند داد؛

۲ / در اعتراض به احکام ظالمانه‌ای که توسط قضات دادگاه‌های انقلاب،

۳ / در انتقاد از «امنیتی» تلقی شدن پرونده‌های فعالان سیاسی توسط «ضابطان اطلاعاتی ایران»؛

۴ / به دلیل عدم تفکیک جرائم زندانیان سیاسی از سایر زندانیان و «عدم اجرای آیین‌نامه سازمان زندان‌ها»؛

ملاقات هفتگی خانواده اعم از طوج یا زوجه، پدر، مادر، خواهر و برادر و فرزندان متهم و یا محکوم هستند. که این امر در ماده ۱۸۲ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب سال ۱۳۸۴ تصریح شده است که زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان محکوم یا متهم و نیز پدر و مادر همسروی حق دارند بر اساس شرایط ملاقات‌های هفتگی با محکوم ملاقات کنند.

۹ / از دیگر مواردی که موجبات اعتصاب غذای زندانی سیاسی را فراهم آورد در خصوص سلول انفرادی است. و این امر یکی از مواردی که در آیین‌نامه اجرایی زندان‌ها به عنوان روشن‌کننده وضعیت و حقوق زندانی آمده است، همانا غیر قانونی بودن نگهداری افراد در زندان انفرادی است. قانونی که در بسیاری از موارد از سوی زندانبانان نقض می‌شود. در این باره می‌توان به ماده ۱۷۵ آیین‌نامه موصوف اشاره نمود که به عنوان تنها موردی که در آن به زندان انفرادی پرداخته شده است. که این ماده بیانگر غیرقانون بودن زندان انفرادی است.

سلول انفرادی به استناد قوانین و مقررات بین‌المللی از مصادیق شکنجه محسوب و اعمال آن ممنوع اعلام شده است. البته در دوران ریاست آقای شاهرودی بر قوه قضائیه، او بخشنامه‌ای را ارائه کرد که در آن به طور رسمی زندان انفرادی را منع کرد و حتی به نقل از آقای خامنه‌ای گفت که یک روز ماندن در انفرادی برابر است با ۱۰ روز زندانی عادی، اما این نقل قول هیچ‌گاه به فعلیت درنیامد و عملی نشد!

۱۰ / همچنین یورش ماموران امنیتی به زندانیان سیاسی در فروردین سال جاری، که موجب گردید تا زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا بزنند.

اما چرا زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان برای رسیدن به چنین خواسته‌ای که در قانون بر آن تأکید شده، باید دست به اعتصاب غذا بزنند؟ بسیاری از زندانیان سیاسی این کار را آخرین راه می‌دانند.

هنگامی که فردی دست به اعتصاب غذا می‌زند و

سلامت و جان‌ش را به خطر می‌اندازد، یعنی به نقطه‌ای رسیده است که دیگر هیچ امکان قانونی برای پیگیری خواسته‌های وی وجود ندارد.

زمانی که فردی به طور خودسرانه دستگیر و غیرقانونی بازداشت و غیرعادلانه و بدون دسترسی و داشتن وکیل مدافع، محاکمه و در نهایت محکوم می‌شود؛ پایمال گشتن حقوق وی مغایر با تمام موازین داخلی و بین‌المللی است. در زندان هم از اندک حقوقی که به موجب آیین‌نامه زندان‌ها در ایران دارد، محروم می‌گردد، تنها یک مفر پیش رویش خواهد بود، یعنی تنها راه حلی که برای مشکلاتش می‌ماند، اعتصاب غذا و به خطر انداختن جان‌ش است.

در قوانین جزایی در ایران، اساساً اعتصاب غذای زندانیان پیش‌بینی نشده است، اما مسئولیت حفظ جان زندانی، در هر وضعیتی بر عهده مقامات زندان است و این مقامات هر زمان که متوجه اعتصاب غذای زندانیان شوند، باید وضعیت سلامت آنها را تحت نظر داشته باشند.

**آیا حقوق زندانی نسبت به جرم او متغیر است؟ آیا به طور کلی می‌توان برای زندانیان حقوقی متصور نمود؟**

در پاسخ می‌توان این‌گونه بیان داشت که، تنها تفاوت زندانی با افراد دیگر این است که اجازه خروج از یک فضای معینی را ندارد، «حق آزادی» رفت و آمد از وی سلب، و در مکانی که تعریف به زندان شده است نگهداری می‌شود. بنابراین اگر قوانین، نسبت به زندانی خاصی اجراء نشود، این در واقع تخلفی است که از سوی «زندانبان» صورت می‌گیرد.

حقوق موجود در آیین‌نامه اجرایی زندان‌ها باید برای همه افرادی که به زندان معرفی می‌شوند، گذشته از این که چه جرمی مرتکب شده‌اند، رعایت شود. این حقوق ناظر به تمامی حقوقی است که فرد در خارج از زندان هم برای ادامه حیات خود به آنها نیازمند است.

بنابراین با تأکید بر برابر بودن حقوق زندانیان، تنها تفاوت زندانی‌ها با یکدیگر، در مدت زمان حضورشان در زندان و

سلامت زندانیان‌اند و نتوانسته‌اند از عهده انجام این کار برآیند. با توجه به اینکه به استناد قوانین داخلی این مسئولان ضابطان دادگستری و بطور مستقیم تحت نظارت دستگاه قضایی محسوب می‌گردند. بنابراین آنها باید پاسدار و حافظ زندگی زندانیان باشند. حال آنکه دادستان تهران قوه قضائیه نظام اسلامی اعلام نموده است که: «تسلیم اعتصاب غذای زندانیان سیاسی نخواهد شد».

### پایان سخن

در حقیقت زندانی به مانند امانتی در دست مقام‌های قضایی است و این یک امر مسلم و غیرقابل رد است و در متن آیین‌نامه اجرایی داخلی زندان‌ها «هم» تصریح شده است که: «هر نوع بدرفتاری، چه جسمی، چه روحی، چه توهین و هتک حرمت، نسبت به زندانیان از هر گروهی که باشند به تأکید ممنوع است».

بر اساس آنچه پیش گفته شد در خصوص دلایل دست یازیدن زندانیان سیاسی به اعتصاب غذا، عدم پذیرش حکم قضایی در مورد خود، در شرایط بیان حداقلی و یا عدم پذیرش یک حاکمیت در بیان شرایط حداکثری، با پذیرش مرگ تدریجی خودخواسته‌ی ترجیحی نسبت به حیات، ذیل پذیرش حکم با دو طراز بالا، موارد مورد بررسی و تحلیل حقوقی نسبت به «اعتصاب غذای» زندانیان به شمار می‌آیند.

به باور فوکو زندان باید به عنوان یک دستگاه انضباطی جامعه مسئولیت تربیت جسمی و اخلاقی افراد، قابلیت کاری آنها، رفتار روزمره و رشد استعدادهايشان را بر عهده گیرد. بنابراین زندان محل اقامتی است که در آن مجرمین به مدت معینی، تحت کنترل کارکنان زندان (زندانبانان) زندان را سپری می‌نمایند با این امید که فرد در محیط زندان با کمک مددکاران اجتماعی و کارشناسان تربیت زندان امکان بازگشت به زندگی، همراه با همنوایی با هنجارهای اجتماعی برای او فراهم نماید.

بر اساس حکمی است که از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده برایشان صادر می‌گردد. گذشته از این که افراد به چه علتی زندانی شده باشند، حقوق اولیه و مسلمی دارند که باید رعایت گردد. البته این حقوق حتا اقامت و نگهداری زندانی در ساختمان‌هایی را که باید بر اساس استانداردهای بین‌المللی باشند، شامل می‌گردد.

هم‌چنین به موجب ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک و ناپسند یا تنبیه بدنی متهمان و محکومان و اعمال تنبیه‌های خشن، مشقت بار و موهن در زندان‌ها به طور کلی ممنوع است. به همین سبب در خصوص جبران خسارت وارده ناشی از شکنجه می‌توان به ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۹۲ استناد کرد که در آن تصریح شده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

نظام پلیسی در کشور یکی از ضعف‌های این وضعیت در برخورد بامتهمان است که توانسته است زمینه برخی بدرفتاری‌ها را به وجود آورد. در کشور ما نظامی «اقرار محور» مسلط است. به این معنا که پلیس به رغم آن که «ضابط دادگستری» است، زمانی که پرونده برایش فرستاده می‌شود به جای آن که به دنبال «ادله» بگردد و جرم را با دلایلی غیر از اقرار به اثبات برساند به گرفتن اقرار دست یازد و این‌گونه اعلام می‌نماید که: «طرف اقرار و اعترافی» مبنی بر جرم ارتکابی نموده است». به همین اعتبار ممکن است رفتارهایی اتفاق بیافتند که از مصادیق شکنجه به شمار می‌رود.

حق حیات هراسانی محترم است و به طریق اولی جان زندانی اعم از اینکه متهم باشد یا محکوم، از این اصل خارج نیست.

مساله اینست که مسئولان زندان مسئول حفظ جان و



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)